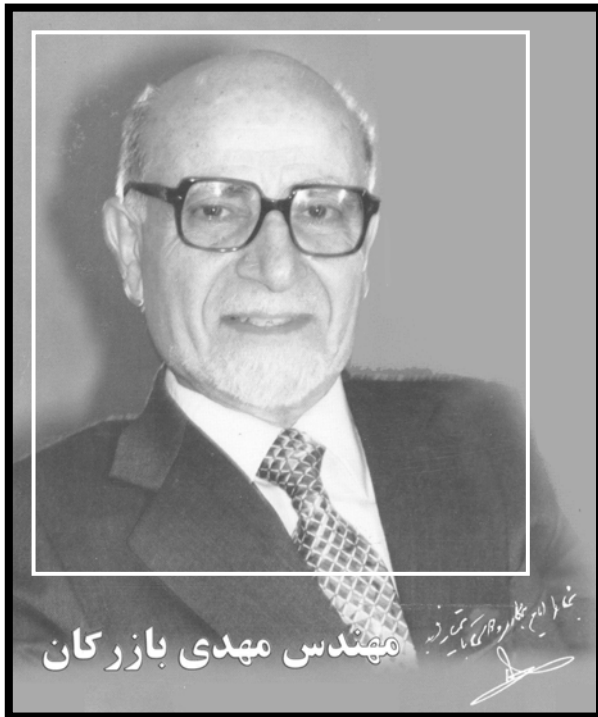


دهمین سالگشت

مهندس مهدی بازرگان نخستین رئیس دولت انقلاب

این یک اصل پذیرفته شده‌ی غیرمکتوب بود. (هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر، دوران مبارزه، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۳۴).

بازرگان به‌زودی خود را «چاقوی بی‌دسته» خواند و استعفا داد و سرانجام در صف ناقدان حاکمیتی که خود در بر سر کار آمدن آن مشارکت داشت، در ۳۰ دی ۱۳۷۳ بدرود زندگی گفت. می‌خواستیم در دهمین سالگشت مرگ او، سفره‌ی دل را پیش شما بکشاییم و در خدمت و خیانت دولت موقت با شما سخن‌ها داشته باشیم. فرصت نکرديم. شاید چاپ ویژه‌نامه‌ی در این باب مقدور شود. ح. ا. ■



□ دی‌ماه در حافظه‌ی نسلی که انقلاب را به‌یاد دارند، ماه پُر حادثه‌یی است. در نهم دی ۱۳۵۶، مقام‌های امنیتی رژیم سلطنتی مقاله‌ی اهانت‌آمیز با عنوان «ارتجاع سرخ و سیاه» به امضای شخصی مجعول به‌نام «احمد رشیدی مطلق» در روزنامه‌ی اطلاعات منتشر کردند که موجبات تحریک احساسات مردم مذهبی این کشور را فراهم کرد و به کشتار جمعی در ۱۹ دی ۱۳۵۶ در قم منتهی شد. در پی آن کشتار، مبارزه‌ی سیاسی سرعت گرفت و به انقلابی انجامید که اکنون ۲۶ سال از آن گذشته و به‌اصطلاح «کهنه» شده است.

مسأله‌ی ایران در ۱۳ دی ۱۳۵۷ / ژانویه ۱۹۷۹، در کنفرانس گوادلوپ با شرکت رؤسای جمهور امریکا و فرانسه و نخست‌وزیران انگلستان و آلمان مطرح و گزینه‌ی ایران بدون شاه بررسی شد. در ۲۶ دی ۱۳۵۷، شاه، مایوس و آشفته، ناگزیر ایران را ترک کرد. او قربانی اشتباه‌های خویش شد. او به نسل ما فرصت هیچ‌گونه تحزب و فعالیت سیاسی آزادانه نداد. جوانان این مملکت نیز که فرصت آزادانه برای فعالیت سیاسی نداشتند، تحت تأثیر اندیشه‌های نقدناشده‌ی زیرزمینی دست به انقلاب زدند و سرانجام محمدرضا شاه را به فرار مجبور کردند. روند اعتصابات و تظاهرات در دی ۱۳۵۷ چنان پیش می‌رفت که رژیم سلطنتی ولو دست به کشتار می‌زد، درازمدت نمی‌توانست ماندگار شود. ملت از باسواد و بی‌سواد، از اسلامی و توده‌ای، از پولدار و بی‌پول همه یک زبان، رفتن شاه را خواستار شده بودند. آری شاه رفت، اما چه آمد؟

در نبود احزاب، «شورای انقلاب» به عضویت چند تن از روحانیون، با استفاده از شخصیت‌های غیرروحانی (بویژه مهندس مهدی بازرگان و بعد از چند روز دکتر یدالله سبحانی که در سطح ملی و بین‌المللی موجه بودند)، انقلاب را هدایت می‌کرد و بالاخره مهندس مهدی بازرگان مأمور تشکیل «دولت موقت انقلاب» شد. آقای هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود تصریح کرده‌اند که: در آن ایام «هنوز بنا نبود که روحانیت در کارهای اجرای دخالت کند،